



۲۰۱۸/۱۱/۳۰

عارف عباسی

از افسانه قوماندان شمشیر چه آموختیم؟



این موضوع از بحث برانگیزترین موضوعات در این صفحه بود. دوستان با نظریات و طرز دید های مختلف سهم گرفته نوشتند، در ضمن اتهاماتی از قبیل قوم پرستی و تعصب قومی بر من هم وارد آمد که بر بنیاد نادرستی و بی اساس بودن، نیازی به اتخاذ موقف دفاعی نداشت و به احترام اصل آزادی بیان آن را با عدم موافقت نادیده گرفتم. در آوان پیشین می گفتند هر حکایه و افسانه ای را شاه نزولی است، حالا باید در پی شاه نزول داستان قوماندان علی پور شمشیر افتاد.

باز هم یقیناً که نظریات و برداشت های متفاوت بنا بر دلایل خاص و قابل فهم ارائه می گردد که قابل احترام است. در این مورد من نظر و برداشت شخصی ام را ارائه و در معرض قضاوت و ارزیابی شما قرار می دهم:

اول- حکومت :

یک بار دیگر بدن علیل، مریض، تب دار، لرزان و حالت نزع خود را آشکار ساخت. به نام حکومت خانه ارواحی است که چند اسکلت در آن آویزان بوده و ارواح خبیثه در پشت پرده های اسرار آمیز در حال فعالیت اند. باز هم حکومت در قضیه علی پور در برابر زور آزمایی ناحق و خلاف قانون زانو زد و ناکامی اش برملا شد. این اعمال حکومت که مبین ناکامی علنی اش است امروز نی بلکه فردای مملکت را به خطر مواجه می سازد. آیا این بار اول است که حکومت زانو می زند و اظهار عجز و ناتوانی می کند؟ گرچه این روش دولت بی سابقه نیست ولی این بار عجز و ناتوانی اش با برس ابتکاری جلایش یافته که عبارت از رواج رسم آزادی بر اساس ضمانت و وساطت است.

بهتر نبود که حکومت قبل از دستگیری علی پور اعلام می کرد که پولیس به اتهام جرایم ذیل دوسیه علی پور را ترتیب و به څارنوالی سپرده و وی تحت بازداشت قرار گرفته و همه می دانستند که جرم چیست و دلیل توقیفش کدام.

• آیا از یاد بردید که معاون اول رئیس جمهور علاوه بر ارتکاب جنایات مشهود و مستند در طول چهل سال بازیگری های متلون سیاسی اش در این مقام و این سن و سال دست به چه عمل شنیع و سخیف، ردیلانه و بی شرمانه زد

(که تذکرش عار قلم است) و به اثبات رسید. غوغای محاکمه و مجازات بالا شد ولی آبی از آب نه جنبید و متهم و محکوم راهی ترکیه شد.

متعاقباً دو پیشوای قومی و رهبر سیاسی!!!؟ به زیارت این نخبه عالم که روزگاری دشمنان خونین بودند راهی ترکیه شده ائتلافی بستند.

حکومت به عوض تقاضای اخراج و استرداد دوستم از حکومت ترکیه برای محاکمه، سرور دانش و اراکین بلند پایه دولت را برای عذر خواهی و پا بوسی دوستم به ترکیه فرستاده از وی تقاضای عودت به کابل را نمودند. او کابل آمد و شاهانه استقبال شد و قالین سرخ پیش پایش گسترده و هزاران پیروش از او با شور و هیجان استقبال نمودند.

کجایی قانون یادت به خیر و کجا رفته بی عدالت که باز نمی گردی؟

چه شد مؤاخذه، محاکمه و رسیدن به کیفر اعمال؟

• در ظرف چند سال گذشته یک عده افراد تجزیه طلب، دشمن علنی یک پارچگی افغانستان، عناصر برکنار شده مقامات دولتی و اشخاص مجهول الهویه با سوء استفاده از احساسات پاک مردم تظاهراتی را به راه انداختند که زمینه فعالیت های انتحاری را فراهم نموده سانحات غم انگیزی آفریدند و یا با ایجاد نا امنی و نظم عامه با تظاهرات خود کنار رفته و بی خبران را جلو انداختند که عامل قتل یک عده بی گناه شدند.

کی گرفتار شد؟ و کی محاکمه شد؟

• در بسی مظاهرات افراد مسلح سوار بر بس ها و لاری ها از یک منطقه خاص با کابل آمده علنی قانون شکستند شعار «ارگ یا مرگ» بلند بود. کی محاکمه شد؟ و بر کی قانون تطبیق گردید؟

• از مدت دو سال بدین سو عطاء محمد نور والی معزول بلخ، رئیس اجرائیه حزب جمعیت اسلامی و رهبر خود تراشیده قوم گسترده تاجک (آیا تاجکان کوه دامن زمین، کابل، میدان، غزنی، فراه، غور و هرات او را به رهبری خود قبول دارند؟ در کجا؟ کدام جلسه؟ و کدام وقت؟) آشوب را به راه انداخت و بیرق تمرد بر افراشت و خواسته های عجیب و نا معقولی را ارائه و حکومت مرکزی را مورد تهدید قرار داده عزم تسخیر ارگ نمود. و بعضی صدا های بغاوت و تمرد از دیگرانی هم شنیده شد.

این نظام ضعیف و چپون و بی کفایت کدام اقدام قانونی علیه عطاء محمد نور نمود؟ به جز کرنش، مصلحت ها وزد و بندهای مخفی و پشت پرده.

دوم – رهبران سیاسی!

من با تقدیم این عرایض می خواهم سیاست، سیاست مدار و رهبر سیاسی را تشریح و توضیح نمایم. سیاست یک رشته علمی خاص بوده که در مؤسسات معتبر علمی جهان تدریس می گردد، ملقب شدن به عالم این رشته ایجاب اسناد مختلف تحصیلی و نوشتن کتب و رسالات را می کند، سیاست مدار شدن و در حلقه سیاسیون در آمدن (Politician) سال ها تجربه و فهم و دانش می خواهد. از وکالت دعوی شروع در صورت تبارز لیاقت معاون خرنوال و ندرتاً لوی خرنوال می شوند و یا در انتخابات توسط آراء عامه به حیث وکیل و یا سناتور راه می یابند.

ثروت، زور تفنگ، و ملیشه داری و حتی مقام و منصب دولتی از کس سیاست مدار و مخصوصاً رهبر سیاسی نمی سازد. یک مأمور وزارت خارجه در داخل و خارج بدون تحصیلات سیاسی دیپلمات (Diplomat) گفته می شود. رهبر سیاسی سیاست مداری است که اساس و بنیاد یک حزب را گذاشته آن را به سطحی ارتقاء و اعتبار می دهد که از لحاظ تعداد اعضاء در انتخابات پارلمانی یک مملکت سهم می گیرد.

سوم- نقش این رهبران:

کسانی که توسط پول و نفوذ بیگانه در شرائطی خاصی مطابق مهندسی اجنبیان قدرت مفت و خزانه غیب به نصیب شان شد مقامات بلند دولتی را کسب نمودند در نبود یک نظام قانون مند و فقدان تأمین عدالت پرسیان و بازپرس و محاکمه مردم به روی ناچاری برای حل مشکلات خود به درب این زور آوران کوبیدند و مقصود خود حاصل نموده آن ها روی مجبوریت رهبر و پیر پیشوای خود قبول کردند و این ذوات که هم مارشال و هم ستر جنرال و در نهایت بی سواد لقب استاد گرفتند خواسته های قدرت طلبی و غیر ملی شان طغیان نموده برای حصول آن از بیچارگی و مجبوریت های مردم سوء استفاده نموده غرض بهره برداری منافع شخصی و یا تأمین منافع استخدام کنندگان شان مردم را به جاده ها کشاندند و تظاهرات بزرگی علیه حکومت بی عرضه و ضعیف به راه انداختند و بینی یکی شان خون نشده و تلفات جانی بی خبران و بی گناهان را بار آوردند و حالا نام رهبران سیاسی را هم تصاحب نمودند.

چهارم- موقف و نقش مردم:

تا حال در برابر این زورمندان قشری تبارز نکرد که رسالت روشنگری خود را درک و مردم را تنویر، تعلیم، تدریس و تنویر می نمودند، و متأسفانه مردم به حیث یک وسیله و حربه برای تأمین مقاصد شوم این قماش قرار گرفتند و عقلانیت و قضاوت سالم از نزد شان ربوده شده در طلسم قوم گرایی ها مسحور شدند. تظاهرات حق مشروع و مدنی مردم است که برای خواسته های منطقی، قانونی و مشروع خود مظاهره کنند و فراهم آوری تسهیلات و خدمات اجتماعی و اقتصادی دولت را مطالبه نمایند. و اما احترام به قانون هم از مکلفیت های اساسی یک ملت است. مظاهرات نباید قانون شکنی، تمرد و بغاوت علیه دستگاه حاکمه باشد ولو که ضعیف و ناکاره است توقیف کردن یک قوماندان ایجاب این همه آشوب گری و دامن های پر سنگ را نمی کرد. باید چند کلان شونده و موسفید قوم را به حیث نماینده برای مذاکره با معاون دوم ریاست جمهوری می فرستادند و خود را از واقعیت قضیه مطلع می ساختند. چرا برادران قوای امنیتی شما زخمی می شد و چرا یک تعداد دیگر (اگر راست باشد) کشته می شد. قیام های مسلحانه با خواسته های زور گویانه در شرائطی که مملکت ما توسط پاکستان و طالبان به جهنمی تبدیل گردیده افزودن به نا امنی و قتل و قتل بی موجب که به هیچ وجه به سود وطن نیست و منافع دشمنان افغانستان را برآورده می سازد کار یک ملت هوشیار و بیدار نیست و خود به نحوی اعمال طالبان را توجیه می کند و اگر در میان تظاهر کنندگان دو سه انتحاری رخنه کرد سانحات بس غم انگیزی به وقوع می پیوندد.



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!